

جهاد درمانی در دیدگاه قرآن کریم مبتنی بر تحلیل شفای صدر در آیه ۴۱ سوره توبه

محمد مصطفی اسعدی^۱

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر به هدف دست یابی به نگاه جامع کتاب وحی در نظام سلامت شکل می گیرد که ابعاد آن در علوم تجربی منحصر نبوده و عرصه های متنوعی را شامل می گردد و یکی از ابعاد خاص آن در عرصه نظامی رهگیری شده که با عنوان شفا و درمان صدر قابل شناسایی و مذاقه است.

روش ها: این پژوهش کتابخانه ای و تحلیلی، به صورت مشخص در روش تفسیر درون متنی و برون متنی جانمایی می گردد که همراه با تحلیل عقلی و تحلیل تاریخی است.

یافته ها: بر اساس یافته های پژوهش حاضر درمان صدر در نگاه قرآن، حداقل در دو جنبه سلامت زاء قابل تحلیل است: نخست درمان صدر با زدایش اختلال اضطرابی ناشی از ناامنی در جنگ است. دوم، درمان صدر با زدایش افسردگی در سوگ ناشی از تلفات جنگ که هر دو جنبه، مبتنی بر فرایند جهاد نیست؛ بلکه مبتنی بر فرجام جهاد پیروزمندان مجاهدان است که بتوانند در پایان جنگ، دشمن را نابود ساخته و یا آسیب امنیتی را دفع نمایند.

نتیجه گیری: بایستی مسئله سلامت و سلامت همگانی را به صورت روشن یک موضوع فرا بخشی و فرا قشری لحاظ نمود که تحقق بخشی از آن، مبتنی بر نقش آفرینی اقشار مختلف جامعه و به صورت مشخص نیروهای مسلح در جامعه ایمانی و ملت قرآن باور است.

کلمات کلیدی: جهاددرمانی، درمان در قرآن، دین و سلامت، شفای صدر.

بیان مسئله

به باور مسلمانان جهان، کتاب وحی بسته کاملی از بیان الزامات و مؤلفه‌های سلامت روحی، روانی و جسمی جامعه بشریت است که در تک‌تک فرازها و آیات آن قابل رهگیری است. قرآن کریم علاوه بر آن که به مسائل مختلفی در ارتباط با پزشکی، اندام بدن و برخی بیماری‌ها پرداخته، سلامت را در حوزه‌های غیر طبی و غیر آزمایشگاهی نیز کاویده است که نشانگر نگاه جامع و چندوجهی این منبع الهی و حیانی به مسئله سلامت است.

یکی از واژگانی که می‌تواند در این زمینه مورد تفحص و کشف قرار گیرد، اصطلاح «شفا» است که در فارسی نیز کاربرد داشته و مکرر در آیات قرآن مورد استفاده قرار گرفته است. این ماده در سه مقطع ناظر به کتاب وحی به کاررفته (یونس: ۵۷. اسراء: ۸۲. فصلت: ۴۴)، در یک مقطع ناظر به شفاگر بودن خداوند در هنگام بیماری‌ها (شعراء: ۸۰) و در یک مقطع هم ناظر به عسل به‌عنوان یک خوراکی شفابخش به کاررفته است. (نحل: ۶۹) اما غیر از این موارد، در آیه‌ای دیگر که محل بحث است، این کلیدواژه ناظر به یک موضوع کاملاً متفاوت بیان گردیده است. خداوند در قرآن کریم در آیه ۱۴ سوره توبه می‌فرماید: «با آن‌ها پیکار کنید که خداوند آنان را به دست شما مجازات می‌کند و آنان را رسوا می‌سازد و سینه گروهی از مؤمنان را شفا می‌بخشد». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این آیه، مسئله درمان به صورت مشخص به عملکرد نظامی مجاهدان و رزمندگان راه خدا مرتبط شده که یکی از آثار آن، درمان صدر دانسته شده است. پژوهش حاضر درصدد تحلیل و تبیین این مسئله است که شفای صدر با توجه به مصداق معرفی شده در آیه فوق، چگونه می‌تواند به سلامت عمومی انسان و سلامت همگانی جامعه ارتباط یابد؟ به دیگر سخن عملکرد نظامی رزمندگان در جهاد مؤمنانه، چگونه می‌تواند بر نظام سلامت اثرگذار بوده باشد؟ درحالی‌که در نگاه سطحی، شاید نتوان

ربط روشنی از موضوع جهاد نظامی با مسئله سلامت تعریف نمود.

ضرورت نخست در این پژوهش ناظر به ضرورت کشف تمام مؤلفه‌های سلامت‌زا در نظام سلامت است که بخشی از آن‌ها به مسائل پزشکی و تجربی مرتبط است و بخشی از آن به مسائل غیرپزشکی وابسته است. ضرورت دوم در این طرح مربوط به لزوم دستیابی به نگاه دین و به صورت خاص، قرآن کریم در زمینه‌های سلامت همگانی و عمومی جامعه است که یک موضوع میان‌رشته‌ای است.

فرضیه این پژوهش آن است که مفهوم درمان و شفای صدر، فارغ از ابعاد جسمانی سلامت، به صورت مشخص به ابعاد روحی روانی آن وابسته است که می‌تواند برای جامعه ایمانی، زدایش و یا جلوگیری از استرس و اضطراب ناشی از جنگ و نیز افسردگی و سوگ ناشی از تبعات و تلفات جنگ را به دنبال داشته باشد.

روش‌ها

روش پژوهش در نوشتار حاضر از جهت نخست کتابخانه‌ای است که وابسته به مطالعه و مذاقه در میان منابع تفسیری کهن و معاصر ذیل آیه محل بحث است و علاوه بر آن منابع واژه‌شناسی و لغت پژوهی کهن که واژگان مورد مطالعه در این پژوهش را ریشه‌یابی و معناشناسی نموده‌اند. لذا می‌توان این تحقیق را به صورت مشخص در روش تفسیر «درون‌متنی و برون‌متنی» جانمایی نمود که همراه با تحلیل عقلی و تحلیل تاریخی است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۴۰) بر این اساس پس از بررسی دو مفهوم شفا و صدر از منابع اصیل لغت‌شناسی، به بررسی تفسیری آیه محل بحث در رویکرد اجتماعی پرداخته خواهد شد و در گام بعد، به تحلیل گزاره محل بحث با نگاه سلامت‌محور پرداخته خواهد شد.

پیشینه

در مقاله «بررسی کلمه شفا در قرآن بر اساس تفاسیر شیعه و اهل سنت» (ایرانلو، ۲۰۱۵، ۷۰۱) به آیتی که کلیدواژه «شفاء» در آن‌ها به کاررفته توجه نموده و مصادیق: قرآن در چند آیه، غسل و شافی بودن خداوند مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و عنایتی به آیه محل بحث ندارد. در پژوهشی دیگر با عنوان «شفابخشی قرآن از منظر قرآن و روایات» (شیرزاد، ۲۰۱۵) به شرایط و موانع شفاگری قرآن و سپس به راهکارها و آثار شفابخشی قرآن توجه شده و تحلیلی در جنبه درمانی و شفاگری جهاد در آیات وحی ندارد. در نوشتاری دیگر با عنوان «تحلیلی پیرامون شفابخشی قرآن با رویکرد به آراء و روایات تفسیری» (رستمی، ۲۰۲۰) به فراز قرآنی «شفاء لما فی الصدور» (یونس: ۵۷) توجه شده و ابعاد دیدگاه مفسران در مورد آن لحاظ گردیده است. نیز در مقاله «بررسی عوامل دست‌یابی به سلامت روان از منظر قرآن کریم» (خرقانی ح. سعیدی فاضل ر. هاشمی م. عباسی، ۲۰۱۵) به برخی عوامل شناختی مانند ایمان به خدا در ایجاد آرامش، امیدواری و عزت پرداخته؛ نیز به اعتقاد به معاد و برخی عوامل رفتاری مانند عبادت، نماز، سخاوت و صبر پرداخته که از لحاظ دامنه پژوهشی هیچ شمولی به بحث حاضر ندارد. همچنین در مقاله «سلامت اجتماعی در آینه قرآن ارائه الگوی جامعه سالم مبتنی بر آیات الهی» (فاطمی نیا و امیرآبادی ۲۰۲۱) به دو بعد فردی و جمعی توجه شده است. در بخش نخست به سلامت معنوی با اعتقاد به توحید و معاد و نبوت و معناداری جهان هستی و سلامت رفتاری و سلامت جسمانی با حفظ جان و تغذیه مناسب توجه شده که هیچ‌کدام از این مسائل به پژوهش حاضر ارتباطی نمی‌یابد.

تعریف واژگان

۱. جهاد درمانی: این اصطلاح ترکیبی، ایده ابداعی نگارنده مقاله بوده که مبتنی بر گزاره وحیانی محل بحث تعریف

گردیده است. جهاد به صورت مشخص یکی از فروعات ده گانه در شریعت اسلامی شمرده می‌شود که به نقش‌آفرینی نظامی رزمندگان راه خدا و نیروهای مسلح در برابر دشمنان ارتباط می‌یابد و در دو گونه کلی دفاعی و ابتدائی جانمایی می‌گردد. از آنجاکه در فراز مذکور دستور صریح به جهاد به جامعه ایمانی صادر شده و نتیجه آن هم شفای سینه‌های مؤمنان تعریف گردیده، جهاد درمانی به عنوان ایده مرکزی این پژوهش و جنبه نوآوری آن، لحاظ گردیده است

۲. شفاء: این اصطلاح در آیه محل بحث به صورت فعلی (یَشْفِ) و نه اسمی به کاررفته است. لغت شناسان کهن، آن را به معنی میرزا و رها شدن از بیماری دانستند. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۶: ص ۲۹۰) ریشه این ماده (شفی) به معنای اِشْرَاف بر چیزی معنا شده و شفا را نیز به جهت غلبه بر بیماری، شفا نامیدند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۹۹) برخی نیز شفا را به معنی «دوا» و آن چیزی که باعث رهایی از بیماری می‌شود دانستند. (آزدی، ۱۳۸۷، ش، ج ۲، ص ۷۱۹ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۴۳۶). بر این اساس معنای پیشین به فرایند درمان و این معنا به موادی که درمان را فراهم می‌کنند، نزدیک است.

۳. صدر: لغویون در معنای این اصطلاح، آستانه و ابتدای هر چیزی را بیان نمودند. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۹۴) واژه پژوهان قرآنی، این واژه را ابتدا به «جارحه» و یک عضو مشخص از اندام و اعضای بدن که همان سینه است، مرتبط دانستند. سپس بر این موضوع تصریح دارند که وقتی در قرآن از صدر نام‌برده می‌شود اشاره به قوای نفسانی انسان دارد؛ مثل شهوت و غضب و بر همین اساس، دعای «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» درخواست اصلاح قوای نفسانی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق ص ۴۷۷). پژوهشگران این عرصه معتقدند: مفاهیم قلب و صدر، اعم از جنبه ظاهری مادی و جنبه باطنی روحانی هستند و در جنبه دوم، این دو را به مثابه مشکلات و مصباح (چراغ‌دان و چراغ) گرفته‌اند. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ش، ج ۶، ص ۲۰۷)

جهاد درمانی در دیدگاه قرآن کریم مبتنی بر تحلیل شفای صدر ...

اما مترجمان در ترجمه واژه صدر در آیه محل بحث همسخن نیستند. برخی آن را به همان «سینه» معنا نموده (آدینه وند، ارفع، انصاریان، مکارم شیرازی) و برخی نیز آن را به «دل» معنا نمودند (آیتی، الهی قمشاهی، بروجردی، فولادوند، مشکینی) که دقیق به نظر نمی‌رسد؛ زیرا نقطه تمایز آن با مفهوم قلب در این ترجمه‌ها لحاظ نشده است. به‌علاوه، بر اساس آیات قرآن نیز نمی‌توان مفهوم صدر را همسان با قلب دانست؛ زیرا قرآن کریم در یک مقطع، نسبت میان این دو مفهوم را، نسبت عام و خاص دانسته و صدر را مشتمل بر قلب بیان نموده است. (حج: ۴۶) به همین جهت برخی مترجمان دیگر، با تعبیری مانند «درون» به ترجمه این واژه در آیه فوق پرداختند. (پاینده) البته تفاوت‌های دیگری نیز میان مفهوم قلب و صدر مطرح هست که اکنون مجال پردازش آن وجود نداشته و می‌تواند موضوع پژوهش مجزایی باشد.

تحلیل و تبیین

برای دستیابی به پاسخ دقیق مسئله فوق و درک کامل از معنای درمان صدر، ابتدا باید نگاهی گذرا به دیدگاه مفسران در آیه محل بحث داشت. بسیاری از مفسران کهن مانند طبرسی، این آیه را مربوط به تأکید خداوند در قتال و نبرد با دشمنان دانسته و قوم مؤمنین را درباره بنی خزاعه از هم‌پیمانان رسول خدا (ص) دانستند که از طرف قبیله بنی بکر مورد هجومه و شبیخون قرار گرفتند و اینک جهاد و نصر مؤمنان باعث شفای سینه‌های آنان می‌گردد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۵)

اما برخی مفسران تلاش نمودند تا این فراز را با توضیحی کوتاه، تبیین نمایند. در میان مفسران کهن، طبری در تفسیر خود از این فراز، چنین می‌گوید: «خداوند درد سینه‌های مؤمنان را با نابودی مشرکان و پیروزی مجاهدان، از بین می‌برد و این درد، عبارت است از چیزی که در قلب‌های آنان باعث آزار و اذیت شده است». (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۶۴) ثعلبی نیز

تعبیری نزدیک به همین بیان دارد. (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۱۶) برخی نیز این شفای صدر را به معنی فرح و شادمانی ایجادشده در دل مؤمنان گرفته‌اند. (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۲ و دینوری، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۳۰۸) جرجانی در تفسیر ادبی و لغوی خود، به‌صورت مشخص شفا در این آیه را چنین معنا نموده است: از دور شدن اذیت که شامل بیماری، غضب و حزن است. (جرجانی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۷۵۳) فخر رازی نیز در توضیحی مشروح‌تر، می‌گوید: کسانی که از طرف دشمنان دچار آزار و اذیت بشوند و بعدازآن، خداوند آنان را یاری کند، این باعث شادمانی و سرور آنها شده و این یاری خداوند باعث قوت نفس و پایداری اراده آنان می‌گردد. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۷۵۳)

علاوه بر این، در میان تفاسیر معاصر برخی شفای صدر در این آیه را به آرامش دل مؤمنان تفسیر نموده (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ش، ج ۸، ص ۱۶۲) و برخی در تعبیری نسبتاً ذوقی، چنین بیان نمودند که خداوند بر جراحات قلب آنها از راه جهاد، مرهم می‌نهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ش، ج ۷، ص ۳۰۵) سید قطب اما شفا را به‌صورت مشخص به غیظ مکظوم (خشم فروبرده) مربوط دانسته است که به‌واسطه نابودی باطل و یاری حق برای مؤمنان ایجاد می‌گردد. (سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۱۶۱۲) برخی نیز بر این نکته توجه داده‌اند که شفای صدور مؤمنان مربوط به یک عقده درونی در ذات آنان نیست؛ بلکه مرتبط باحالت ایمانی عمیق آنان است که آنها تمامی این آزارها و آسیب‌ها را درراه خدا تحمل نمودند. (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۴۸) پس مسئله جنبه شخصی نداشته و جنبه الهی دارد. برخی نیز با تجمیع این فراز و فراز بعدی (یُدْهِبْ غِیْظَ قُلُوبِهِمْ) چنین بیان کردند که با نبرد و نابودی دشمنان، آنچه در دل‌های مؤمنان از غم و اندوه وجود دارد برطرف می‌شود (سعدی، عبدالرحمن، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۷۵) و با این بیان، مفهوم صدر و قلب را هم‌پوشان لحاظ نموده‌اند.

اینک پس از بررسی دیدگاه مفسران کهن و معاصر، در تحلیل درمانی فراز فوق می‌توان چند جنبه و تحلیل بیان نمود:

نخست: درمان صدر با زدایش اختلال اضطرابی ناشی از ناامنی در جنگ

می‌دانیم اختلالات اضطرابی یکی از رایج‌ترین بیماری‌های روانی در سطح جهان است که به‌صورت قابل‌توجهی بر سلامت روان و عملکرد اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد. (Fensai Bie, 2024, 15) یکی از زمینه‌هایی که در زندگی جامعه بشری همواره ایجادگر این معضل بوده و هست، جنگ و ناامنی نظامی است. نبرد نظامی با ایجاد فضای ناامنی و خطرات جانی برای شهروندان و ساکنان یک سرزمین جنگ‌زده، به‌صورت طبیعی فضایی را بسترسازی می‌کند که استرس و اضطراب افراد به نحو شدیدی افزایش می‌یابد؛ خصوصاً در جنگ‌های عصر جدید که خطرات جانی نه صرفاً از روی زمین و یورش‌های سنتی، بلکه از هوا، زمین، دریا و صحرا و حتی به‌وسیله برخی اشیاء و ابزارهای صنعتی، به‌صورت مستقیم جان انسان‌ها را به خطر می‌اندازد. همان‌گونه که در جنگ اسرائیل و لبنان، برخی ابزارهای مخابراتی در یک روز باعث شهادت و نقص عضو برخی از مردم لبنان گردید.

این اضطراب یک جنبه عمومی در همه جنگ‌ها در میان همه ملل دارد و یک جنبه خاص نسبت به جامعه ایمانی دارد. جنگ در میان بسیاری از ملل و دولت‌های مختلف از ضابطه مشخصی برخوردار نیست و ارتش‌ها صرفاً به شکست دادن دشمن به هر روش و به هر ابزاری می‌اندیشند؛ اما جنگ ایمانی و ارزشی، بر اساس قواعد مشخصی شکل می‌گیرد و هرگونه جنگی را تأیید نمی‌کند. برای مثال یک دولت استکباری در جنگ خود را مجاز می‌داند که با نابودسازی دفاعی یک شهر با بمب اتم و سوزاندن دفاعی هزاران مرد و زن و کودک، به اهداف جنگی خود دست یابد. در حالی که در شریعت اسلامی به تصریح قرآن کریم، «إهلاك نسل»، مصداق فساد بوده و مجاز شمرده نمی‌شود.

(بقره: ۲۰۵) بر همین اساس جامعه ایمانی در جنگ، با دشمنانی سروکار دارد که هیچ قاعده دینی و انسانی را مدنظر ندارند و همین موضوع می‌تواند زمینه‌ساز استرس و اضطراب مضاعف برای آنان باشد. چراکه از هر جهت احساس خطر نموده و هر آسیبی را از سمت دشمن محتمل می‌بینند.

به‌هر روی اولین جنبه از تحلیل آیه فوق می‌تواند به همین جهت مربوط باشد. وقتی نیروهای مسلح ایمانی، با نقش رشادت آمیز و شجاعانه خود، دشمن را نابود ساخته و خطرش را دفع می‌نمایند؛ علاوه بر آن که جان جامعه را از تلفات بیشتر مصون داشته‌اند، توانسته‌اند حجم عمده اضطراب‌های ایجادشده در فضای جنگی را بزدایند. این درواقع یکی از آثار ایجاد و بازیابی امنیت در فضای اجتماعی است که به‌صورت مستقیم به سلامت جامعه مربوط می‌گردد؛ بنابراین آیه فوق می‌کوشد این معنا را به جامعه ایمانی تفهیم کند که مؤمنان نه‌تنها در تأمین امنیت خود و امدار جهادگران هستند؛ بلکه در حفظ و تأمین سلامت خود نیز مدیون مجاهدان و رزمندگان راه خدا می‌باشند؛ زیرا تنها جهاد مجاهدان است که می‌تواند آرامش روانی از دست‌رفته را بازیابی نماید.

شاهد قرآنی تحلیل فوق آن است که قرآن کریم در آیات دیگر و در خلال مسئله‌ای نظامی، به ترس شدیدی که در صدور دشمنان وجود داشته، اشاره می‌نماید (حشر: ۱۳) و بر این اساس، می‌فهماند که جایگاه صدر در وجود انسان می‌تواند دربرگیرنده ترس و اضطراب و استرسی باشد که در شرایط جنگی پدید می‌آید؛ هرچند موضوع آن آیه، مؤمنان نیستند.

دوم: درمان صدر با زدایش افسردگی در سوگ ناشی از تلفات جنگ

همان‌گونه که می‌دانیم افسردگی یکی از معضلات عمده در سلامت عمومی انسان است و به‌عنوان یک اختلال خلقی با احساس مداوم غم و یا ناتوانی در تجربه لذت، همراه با نقص در عملکرد روزانه، مشخص می‌گردد. افسردگی به‌عنوان

جهاد درمانی در دیدگاه قرآن کریم مبتنی بر تحلیل شفای صدر ...

اولین علت ناتوانی در سراسر جهان شناخته می‌شود و تأثیر قابل توجهی بر سلامت جسمی و روانی انسان‌ها دارد. (Xuhan Wang, 2023, 335)

موضوع فوق در شرایط جنگی و تلفات انسانی که جنگ به صورت طبیعی ایجاد می‌کند، فوق‌العاده پررنگ است. در کارزار جنگ، علاوه بر آسیب‌هایی که به نظامیان هر کشور وارد می‌گردد، بخشی از غیرنظامیان و عموم مردم نیز دچار آسیب گردیده و متحمل آسیب جانی می‌شوند؛ افرادی کشته می‌شوند و بالطبع خانواده‌هایی داغدار شده و به سوگ می‌نشینند. این شرایط می‌تواند زمینه‌ساز افسردگی و غم برای بازماندگان باشد. در این موقعیت، پیروزی رزمندگان ایمانی و نابودسازی دشمن می‌تواند نوعی از شادمانی و احساس نشاط را برای سوگوارانی که تلفات جنگی متوجه خانواده آن‌ها بوده را تجربه کنند. در حقیقت سوگ ناشی از تلفات جنگی با شادی حاصل از نابودی دشمن به نحوی جایگزین می‌شود؛ هرچند آن سوگ در خاطر شخص باقی می‌ماند؛ اما اگر این جهاد و ثمره آن وجود نداشت، آن داغ هیچ‌گاه در قلب و روح انسان، سبک نشده و چه بسا به حالت عقده و یک چالش همیشگی در روح وی باقی‌مانده و منشأ عوارض جانبی و جسمانی هم بشود. بر این اساس دستور قرآن به قتال با دشمن، متضمن تأمین سلامت جامعه ایمانی از این جهت است که وابسته به جهاد مجاهدان است.

ممکن است این پرسش مطرح شود که اگر بخشی از مؤمنان در جامعه ایمانی در شرایطی قرار داشتند که به علت موقعیت جغرافیایی یا هر دلیل دیگر، احساس ناامنی و اضطراب نداشتند و سوگوار هیچ‌کدام از خانواده و عزیزانشان هم نبودند، آیا آیه فوق و مفهوم درمان صدر شامل آن‌ها نمی‌شود؟

در پاسخ باید توجه داشت که اولاً مفهوم شفا به صورت روشن ناظر به پیشامد درد، رنج و بیماری در وجود انسان است و اگر چنین شرایطی برای گروهی از جامعه پیش نیاید، عملاً دردی وجود ندارد که نیاز به درمان داشته باشد. ثانیاً

شفای صدر مؤمنان لزوماً به این معنا نیست که شخص به نحو مستقیم با تبعات جنگ مواجه شده باشد؛ ممکن است شخصی هیچ آسیب مستقیمی از جنگ ندیده باشد؛ ولی با مشاهده افراد هم‌وطن، هم‌کیش یا هم‌نوع و اطرافیان خود که دچار آسیب‌های جنگی شده‌اند، احساس نوع‌دوستی، دغدغه‌مندی و دردمندی حاصل از آن را تجربه نموده و آرزوی نابودی دشمنان راه خدا و دشمنان انسانیت را داشته باشد. همان‌گونه که ملت ایران در جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل که نزدیک به ۱۲۰۰ نفر از هم‌وطنان خود را از دست دادند، این شهدا را مانند خانواده و نزدیکان خود دانسته و در برابر دشمن تجاوزگر، به اتحاد و همبستگی بیشتری رسیدند تا جایی که دشمن را وادار به درخواست آتش‌بس نمودند. شاید به همین جهت است که برخی تفاسیر اجتماعی قرآن، عبارت «قوم مؤمنین» در آیه محل بحث را به صورت مشخص ناظر به مؤمنانی دانستند که حضور میدانی در عرصه نبرد ندارند و در واقع مصداق آیه، آن بخش از جامعه ایمانی که جزو رزمندگان و نظامیان نیستند، لحاظ شده است. (قاسمی، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، ص ۳۶۰) بر این اساس، این جنبه از درمان باید ناظر به آثار و نتایج از جهاد باشد که شامل جهادگران نبوده و سایر جامعه را شامل می‌شود. بر اساس آنچه از تحلیل‌های پیشین بیان گردید، شفای صدر در یک جهت می‌تواند ناظر به پیروزی در عموم جنگ‌ها باشد که دو ثمره فوق را برای غیرنظامیان ایجاد نماید و در جهت دوم می‌تواند مختص به مستضعفان و مؤمنانی باشد که از ظلم نظامی دشمن دچار آسیب‌های پیش‌گفته گردیدند و این آسیب‌ها را به خاطر خداوند تحمل می‌کنند. به قرینه قسمت نخست آیه، این ثمره مربوط به جهت دوم است؛ چه اینکه نصرت و یاری خداوند و تعذیب دشمنان مربوط به هر جنگی نبوده و صرفاً به جنگی اختصاص دارد که یک‌طرف آن جبهه حق و طرف دیگر آن جبهه باطل باشد و احیاناً در جنگ‌هایی که هر دو طرف جبهه باطل هستند، موضوعیت ندارد.

به صورت روشن یک موضوع فرا بخشی و فرا قشری لحاظ نمود که تحقق بخشی از آن، مبتنی بر نقش آفرینی اقشار مختلف جامعه و به صورت مشخص نیروهای مسلح در جامعه ایمانی و ملت قرآن باور است.

البته در دو تحلیل فوق بایستی دقت داشت که ثمره سلامت‌زای جهاد، مبتنی بر فرایند جهاد نیست؛ بلکه مبتنی بر فرجام جهاد پیروزمندانه مجاهدان است که بتوانند در پایان جنگ، دشمن را نابود ساخته و یا شرّ امنیتی و جانی او را دفع نمایند. به همین جهت آیه محل بحث بر تعذیب و رسواسازی دشمن و نصرت الهی نسبت به مؤمنان (يَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ) تأکید دارد و مسئله شفای صدر را پس از آن مطرح می‌کند. لذا نمی‌توان این بُعد از سلامت را در خلال جنگ یا در میانه کارزار با دشمن انتظار داشت. همان‌گونه که نمی‌توان بهبود از بیماری را حین مصرف دارو یا در خلال جراحی و امثال آن انتظار داشت. بلکه بایستی با سپری شدن دوره درمان و نقاهت، دستیابی به آن را در نظر گرفت.

نکته پایانی آن که در برخی روایات و گفتارهای اهل بیت، مصداق آیه فوق، قیام قائم در عصر ظهور و مصداق «قوم مؤمنین»، شیعیان و پیروان آن حضرت هست که با ظهور ایشان و برقراری عدالت و امنیت جهانی، صدور آنان شفا می‌یابد. (خزاز رازی، ۱۴۰۱ ق، ص ۴۴ و ۷۳ و ۱۷۹) این تعیین مصداق می‌تواند ناظر به مصداق حداکثری و نمونه کامل موضوع در زدایش ظلم و استقرار بین‌المللی امنیت و نابودسازی عموم جنایت‌کاران و طواغیت جهان باشد که دو تحلیل پیشین را به نحو کامل به ظهور می‌رسانند؛ وگرنه در هر مقطع تاریخی و در میان هر جامعه ایمانی، پیام آیه و کارکرد سلامت‌زای آن محفوظ بوده و قابل انطباق بر هر جامعه ایمانی است.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌ها و تحلیل‌های بیان‌شده در پژوهش حاضر، نظام سلامت در نگره جامع قرآن کریم ابعاد گسترده‌ای دارد که یک ضلع آن به صورت مشخص به نقش آفرینی نیروهای نظامی جبهه ایمانی و دفع شرّ دشمن در این عرصه مربوط است. بر این اساس بایستی مسئله سلامت و سلامت همگانی را

Reference

1. The Holy Qur'an (Persian translations: Adinehvand, Arfa', Ansarian, Makarem Shirazi, Ayati, Elahi Qomsheh'i, Boroujerdi, Fooladvand, Meshkini, Payandeh)
2. Ibn Faris, Ahmad ibn Faris (1984), Mu'jam Maqayis al-Lughah, Qom: Maktab al-I'lam al-Islami, 1st edition.
3. Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram (1993), Lisan al-'Arab, Beirut: Dar al-Fikr, 3rd edition.
4. Azdi, 'Abdullah ibn Muhammad (2008), Kitab al-Ma', Tehran: Institute for Studies in Medical History, 1st edition.
5. Iranlou, Omid, "An Analysis of the Word 'Shifa' (Healing) in the Holy Qur'an Based on Shi'a and Sunni Exegeses", Journal of Interdisciplinary Qur'anic Studies, 2015, 7(1).
6. Tha'labi, Ahmad ibn Muhammad (2001), Al-Kashf wa al-Bayan, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi, 1st edition.
7. Jurjani, 'Abd al-Qahir (2009), Darj al-Durar, Jordan: Dar al-Fikr, 1st edition.
8. Kharqani, Hassan et al, "An Examination of Factors for Achieving Mental Health from the Perspective of the Holy Qur'an", Journal of Interdisciplinary Qur'anic Studies, 2015 (14).
9. Khazzaz Razi, 'Ali ibn Muhammad (1980), Kifayat al-Athar, Qom: Bidar Press.
10. Dinawari, 'Abdullah ibn Muhammad (2003), Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1st edition.
11. Raghīb Isfahani, Husayn ibn Muhammad (1991), Mufradat Alfaz al-Qur'an, Beirut: Dar al-Qalam, 1st edition.
12. Rostami, Mohammad Hassan & Abrishami, Samaneh, "An Analysis of the Healing Aspect of the Qur'an Based on Exegetical Views and Traditions", Qayyim Book Journal, 2020 (15).
13. Rezaei Isfahani, Mohammad 'Ali (2008), Tafsir Qur'an Mehr, Qom: Qur'anic Exegesis and Sciences Research Center, 1st edition.
14. Rezaei Isfahani, Mohammad 'Ali (2013), The Logic of Qur'an Exegesis 3: Research Methodology in Qur'anic Exegesis and Sciences, Qom: Al-Mustafa Publishing House, 2nd edition.
15. Sa'di, 'Abd al-Rahman (1987), Taysir al-Karim, Beirut: Maktabat al-Nahdah al-'Arabiyyah, 2nd edition.
16. Samarqandi, Nasr ibn Muhammad (1995), Tafsir al-Samarqandi, Beirut: Dar al-Fikr, 1st edition.
17. I Sayyid Qutb (2004), Fi Zilal al-Qur'an, Beirut: Dar al-Shuruq, 35th edition.
18. Shirzad Salushi, Fatemeh, The Healing Aspect of the Qur'an from the Perspective of the Qur'an and Traditions (Master's thesis), Faculty of Usul al-Din, 2015.
19. Tabrisi, Fadl ibn Hasan (1993), Majma' al-Bayan, Tehran: Naser Khosrow, 3rd edition.
20. Tabari, Muhammad ibn Jarir (1991), Jami' al-Bayan, Beirut: Dar al-Ma'rifah, 1st edition.
21. Fatemi Nia, Mohammad 'Ali & Amirabadi Farahani, Fatemeh, "Social Health in the Mirror of the Qur'an: Presenting a Model of a Healthy Society Based on Qur'anic Verses", Journal of Social Theories of Muslim Thinkers, 2021 (20).
22. Fakhr Razi, Muhammad ibn 'Umar (1999), Al-Tafsir al-Kabir, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi, 3rd edition.
23. Farahidi, Khalil ibn Ahmad (1988), Kitab al-'Ayn, Qom: Hijrat, 2nd edition.
24. Fadlallah, Muhammad Husayn (1998), Min Wahy al-Qur'an, Beirut: Dar al-Malak, 1st edition.
25. Qasimi, Jamal al-Din (1997), Mahasin al-Ta'wil, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1st edition.
26. Mustafawi, Hasan (1989), Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an al-Karim, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1st edition.
27. Makarem Shirazi, Naser (1992), Tafsir Nemooneh, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 10th edition.
28. Fensai Bie. Rising global burden of anxiety disorders among adolescents and young adults. *Frontiers*. 2024 (15) doi.org/10.3389/fpsy.2024.1489427
29. Xuhan Wang. The role of dietary inflammatory index and physical activity in depressive symptoms: result from NHANES 2007 - 2016. *Journal of Affective Disorders*. 2023 (335). doi.org/10.1016/j.jad.2023.05.012.

Jihad Therapy in the Quranic Perspective: An Analysis of Chest Healing (Shifā al-Ṣadr) in Verse 14 of Surah At- Tawbah

1

Abstract

Background and Objective: The present study aims to achieve a comprehensive view of the Book of Revelation in the health system, whose dimensions are unique in empirical sciences and include various fields, and one of its specific dimensions has been traced in the military field, which can be identified and examined as the healing and treatment of Sadr.

Methods: This library and analytical research is specifically placed in the method of intra-textual and extra-textual interpretation, which is accompanied by rational analysis and historical analysis.

Findings: Based on the findings of the present study, Sadr's treatment, in the view of the Quran, can be analyzed in at least two health-promoting aspects: First, Sadr's treatment is by eliminating anxiety disorder resulting from insecurity in war. Second, Sadr's treatment is by eliminating depression in mourning resulting from war casualties, both aspects of which are not based on the process of jihad; rather, they are based on the outcome of the victorious jihad of the mujahideen, who can destroy the enemy or ward off security damage at the end of the war.

Conclusion: The issue of public health and well-being should be clearly considered as a cross-sectoral and cross-class issue, the realization of which is partly based on the role-creation of different segments of society, and specifically the armed forces, in the faith-based society and the Quran-believing nation.

Keywords:

1.